

## بسمه تعالی

دکتر محمد اسماعیل اکبری  
استاد دانشگاه

شاکر الهی حضرت عیسی ابن مریم (ع)  
شفا و علاج در ادبیات سلامت

جهان در تدارک برگزاری جشن تولد یکی از پیامبران اولوالعزم و بزرگ الهی است ، جهان می خواهد به هر زبانی که شده از خدای بزرگ خود تشکر کند که او را به خودش وانگذاشت و هر گاه که لازم بود پیامبری را برای هدایت او فرستاد و پیام های خود را با نشانه های بارزی از وجود ذات اقدسش توسط آنها به مردم عیان کرد .

حضرت عیسی مسیح (ع) که درود خداوند بر او و بر همه پیامبران عزیز قبل و بعد از او باد به صفتی مشهور است که بهانه نوشتن این سطور شد . این پیامبر رحمت را صاحب "شفا" و دم عیسانی می شناسیم . او می توانسته است به اذن خدا ، بیمار را شفا دهد و مرده را زنده کند . آنقدر این صفت او بارز می باشد که کسی را جرأت به مقابله با او نیست ، تاریخ زنده به زبان های گوناگون گواهی داده است که عیسی مسیح (ع) شفا بخشیده است . ما مسلمانان در آیات اولیه سوره مبارکه بقره اعتقاد به آنچه به پیامبران اولوالعزم نازل شده است و احترام بر وجود مبارک آنان را شرط مومن بودن شنیده ایم . امید که با تبیین شفا و علاج از دیدگاه علمی توفیق عرض ادب به پیشگاه مقدس حضرت عیسی مسیح ابن مریم علیهم السلام را پیدا کنیم و بهانه ای باشد برای جلب شادی دل حضرت ختمی مرتبت رسول الله صلی اله علیه و آله که یقیناً رضای حق تعالی را در پی خواهد داشت .

در پزشکی دو اصطلاح معروف "درمان" و یا "علاج" و "شفا" را داریم که در انگلیسی معمولاً آنها را به اسم Cure و Treatment می شناسیم به معنی درمان و شفا اگرچه واقعاً لغت Cure در بعضی از نوشتارهای غربی بسیار ضعیف مطرح شده و حداکثر در قالب رفع بیماری جسمی مطرح گردیده است ، اما چون لغت جامع دیگری نداریم آنرا بجای شفا قبول می کنیم احتمالاً شما و یا نزدیکان شما بارها بیمار شده اید ، اما آنها آنقدر جدی نبوده اند که حتی بخاطر شما بمانند ، مثلاً بارها سرما خورده اید و تب کرده اید ، و یا نفخ کرده اید و دچار درد شکم شده اید و درد کمر و پا و ... اما با خوردن قرص مسکن و یا استراحت حتی بدون مراجعه به یک مرکز طبی بهبود پیدا کرده اید . سردرد و تب ناشی از سرما خوردگی با یک قرص استامینوفن ۴۰۰-۵۰۰ میلی گرم خوب می شود ، که آنرا درمان ، علاج ، بهبودی و یا Treatment می نامیم . اما آیا واقعاً همه مراحل گرفتاری های بدن با یک ویروس سرما خوردگی با یک قرص استامینوفن خوب میشود ، یا فرایندی خیلی طولانی لازم است تا نظام ایمنی انسان ، هجوم یک ویروس را کنترل کند و آنرا از بدن خارج نماید .

کاری که قرص استامینوفن می کند درمان است و نشانه های ظاهری بسیاری را از بین می برد ، اما این قرص مسئول همه اتفاق هایی که در بدن افتاده است نیست و آنها در حقیقت اتفاق هایی است که منجر به بهبودی بیمار شده است . این فرایندهای طولانی در درون بدن باز هم جزیی از درمان و یا علاج است . زیرا هجوم یک عنصر بیگانه به اسم ویروس سرماخوردگی به بدن مورد کنترل و دفع قرار گرفته است و عوارض آنها پاک شده است . همه این اتفاقات را درمان -علاج می خوانیم . اما شفا جایگاه متفاوتی با آن دارد و آنچه حضرت عیسی ابن مریم (ع) به اذن خداوند انجام میداده است شفا بوده است . شفا جامع تر و کامل تر از علاج است ، شفا که منحصرأ توسط حضرت حق تعالی انجام میشود ، تعادل حیات است ، آنها نه تنها در زمینه جسمی ، بلکه روان و روح و امور اجتماعی و غیره را نیز در بر می گیرد . چگونگی این تفاوت را می توان در اشعار عارفان ایران زمین ، در متون علمی پزشکی و در متون قرآنی نیز جستجو کرد و خاقانی تفاوت بین درمان (نجات) را با شفا بخوبی شناخته و آنرا در قالب شعر زیر ارائه کرده است .

کارد شفات علت و زاید نجات بیم

خاقانیا نجات مخواه و شفا ببین

او هم معتقد بوده است که درمان (نجات) ، همه مسئله را حل نمی کند بلکه ممکن است بیم آفرین هم باشد یعنی انسان را کاملاً راحت نمی کند ، در حالیکه در شفا علت اصلی حل می شود و هیچ مسئله ای برای نگران شدن وجود ندارد .

اسیری لاهیجی برای دل بیمارش شفا می طلبد و می گوید:

از شراب لب جانبخش شفایی بکند

چه شود گر دل بیمار مرا شاه جهان

حضرت حافظ (ره) شادابی دل و جان را در بوی شفابخش باده ای می داند که حتی اگر خودش هم حاضر نباشد تنها به کمک باد نسیمی از بوی آن به مشامش برسد ، مسئله اش را حل می کند

ای باد از آن باده نسیمی به من آور

کان بوی شفابخش بود دفع خمارم

وقتی بیماری مبتلا به سرطان تیروئید ، پستان ، معده و یا هر عضو دیگری می شود با انجام جراحی اولیه همه نسج سرطانی را از بدن خارج می کنیم و این همان درمان است ، گاهی هم از روش های دیگری مثل شیمی درمانی و رادیوتراپی و پرتو درمانی و اور درمانی و ده ها روش دیگری که علم تا امروز به ما توصیه کرده است بدین منظور استفاده می کنیم ، همه این اقدامات درمانی هستند و در هیچ یک از آنها شفا وجود ندارد .

این همان تفاوتی است که خاقانی را وادار می کند تا شفا را طلب کند نه نجات و درمان را. او یا حافظ و اسیری لاهیجی به یک باره سراغ شفا بروند و جامعیت آنرا از "شاه جهان" و "باده الهی" طلب کنند.

سطح قند خون را به راحتی می توان با داروهای ضد دیابت چه خوراکی و یا تزریقی پائین آورد اما نمی توان دیابت را درمان کرد، دادن دارو برای پائین آوردن قند خون علاج و درمان است اما شفا یعنی محو کامل تمام نشانه ها و عوارض یک دیابت جا افتاده.

همینگونه است برای همه انواع بیماری ها از سهل العلاج تا صعب العلاج از بیماری های حاد تا مزمن و طولانی.

حضرت ابراهیم علیه السلام در قرآن کریم خداوند را چنین تعریف می کند:

او خدایی است که مرا آفرید و پیوسته راهنمایی می کند، مرا غذا می دهد و سیراب می کند، و هنگامی که بیمار شوم مرا شفا می دهد. (قرآن کریم آیات ۸۰-۷۸ سوره مبارکه الشعرا) بیان شفا در کلام پیامبر الهی حضرت ابراهیم (ع) فراتر از طلب بهبودی سردرد و کمر درد و یا حتی حذف آثار گرمایشی و سوزاننده آتش است، او شفای دل را می طلبد و او را می گیرد و ابراهیم علیه السلام می شود.

موضوع "شفا" این روزها در علم مدرن پزشکی وارد شده و جای مناسبی هم پیدا کرده است، تحقیقات علمی روز نشان داده اند که عوامل دیگری بر سلامت انسان تأثیر دارند که جدای از قرص و کپسول و آمپول و رفتارهای جراحی و درمان ماست بهمین جهت "معنویت درمانی" بعنوان یک شاخه اصلی در درمان جایگاه پیدا کرده و سازمان های بین الملل هم سلامت معنوی را یکی از چهار شاخه اصلی سلامت (جسمی - روانی - اجتماعی - معنوی) میدانند در بسیاری از دانشگاه های معتبر جهان سلامت معنوی تدریس میشود.

"دعا درمانی" یکی از مؤلفه های درسی برای دانشجویان گروه پزشکی است و چه خوب از آن استفاده می کنند، دعا درمانی از راه دور به معنی اینکه فرد دیگری برای بیماری که در فاصله طولانی از او قرار دارد دعا کند و او بهبود یابد، در مقالات علمی دنیا کم پیدا نمی شود. در کشور ما مردم بسیار به این امر اعتقاد دارند، و تصور می کنند باید آنرا از جامعه پزشکی مخفی کنند، علت آن است که علم و اعتقاد مردم در این زمینه بیشتر از گروه پزشکی است، و ضرورت دارد که همکاران دانشمند و دلسوز سلامت مردم و آنها که معناگرایی رشته تخصصی خود انتخاب کرده اند و به دل بیشتر از جسم می نگرند وارد میدان بزرگ تحقیقات سلامت معنوی شوند. تا اثر بخشی یک نذر حضرت عباس (ع) و یا یک سفره حضرت رقیه (س) و یا امام سجاد (ع) را در بهبود یک بیمار نشان دهند این تحقیقات ضرورت دارد بنحوی طراحی گردد تا اثربخشی متفاوت یک داروی مشابه برای دو بیمار با بیماری مشابه را هم نشان دهد و ثابت کند که عشق ورزشی در معالجه بیماران و دلدادگی و دلسوزی بیمار و طبیب می تواند تغییرات اثربخشی در معالجه نشان دهد. امروز براحتی این مسایل را در مطالعات دانشگاه های معتبر جهان می توان دید.

طبیعی است وقتی حضرت عیسی ابن مریم علیهم السلام با ذکر و دعا مرده ای را در جلو چشم مردمان زنده می کند یعنی بازگشت فرایند حیات به کالبد بیجان یک موجود زنده یعنی تعطیلی ژن های حیات که فرمان زندگی را صادر می کنند ، مجدداً بازگشایی شده و با بیان ژنی متفاوتی از مرگ به حیات را به تک تک سلولها و اعضا برمی گردانند این اتفاق از نظر علمی شدنی است و قطعاً حضرت حق تعالی نیز بجز اسباب مادی یا معنوی کاری را انجام نمی دهد . این اتفاق یعنی بهبودی با معنویت امروز ثابت شده است و چگونگی انجام آن به اثبات رسیده است . آنچه را که هنوز علم بشری نتوانسته است اثبات کند ، نقص علمی ماست نه نفی وجودی آنها . از امام صادق (ع) نقل شده است که « خدا نمی خواهد که کارها را بدون اسباب و وسایطی اجرا کند » .

این موضوع یعنی تأمین سلامت از معناگرایی ، همان کاری که حضرت عیسی ابن مریم (ع) و بقیه معصومین (س) انجام میدادند ، شامل این مقوله می شوند که چه زیبا توسط حضرت آیت اله حسن زاده آملی در دفتر اول به نظم کشیده شده است :

### حدیثی از زبان خداوند

میادا که بنمایی فراموش

سخن بینوش و می کن حلقه گوش

نداری از شفای من نصیبی

نیاید تا به بالینت طبییی

به حکمت نظم عالم هست قائم

که کار من به حکمت هست دائم

بود این عین نقض حکمت من

توبی اسباب خواهی نعمت من

دوای توشفاء داده ،خدا داد

طیبیب تو دوا داده، خداداد

برای درمان های معنوی تعابیر و تعاریف مختلفی طراحی شده است ، اما تحقیقات اثربخشی سریع تر ، مناسبتر و جامع تر دین را نشان داده اند این موضوع در کتب شعر ایرانی نیز از قدیم وجود داشته است

ناصر خسرو در اشعار مختلفی این اثربخشی را چنین تعریف می کند:

علت نادانی را دین شفاست

در ره دین رو که سوی عاقلان

چون تو نجویی شفا به درد بیابی

کون و مکان را شفا قرآن کریم است

یعنی اگر از قرآن و معنای آن کمک نگیری حداکثر دردت را درمان کرده ای نه شفای کامل اما اگر توکل را به غیر از خدا وصل کنیم نتیجه عکس خواهیم گرفت . باز هم ناصر خسرو می گوید :

ز آنکس که سوی او به امید شفا شدم

جز درد و رنج هیچ نگردید حاصلم

ولادت پیامبر اولوالعزم خدا حضرت عیسی ابن مریم علیهما السلام را به همه مسلمانان و مسیحیان جهان تبریک می گوئیم و همه دانشمندان مسلمین و مسیحی را به یک جهاد علمی برای چگونگی تبیین شفا دعوت می کنیم باشد که دیده های نگران و دل های مضطرب هم آرام شوند و همگی یکجا معتقد شویم که اوست که...«هنگامی که بیمار شدم مرا شفا میدهد».

والسلام.